

کاوش در واژه‌های روان‌شناختی (هیجان، شناخت، آسیب‌شناسی، درمان و شخصیت)، در لغت‌نامه (فرهنگ)‌های زبان فارسی

دکتر حسین کاویانی

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر اشرف‌سادات موسوی

دانشگاه الزهرا

دکتر ارسلان گل‌فام

دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

این تحقیق در پی آن است تا به تعیین واژه‌های روان‌شناختی (هیجان، شناخت، آسیب‌شناسی، درمان و شخصیت) و نسبت‌های خوشایندی/ناخوشایندی، جسمی/غیرجسمی و رایج/غیررایج این واژه‌ها در فرهنگ‌های معتبر زبان فارسی (معین، عمید و فارسی امروز) بپردازد. نمونه مورد مطالعه این تحقیق، کلیه ورودی‌های درج‌شده در فرهنگ‌های سه‌گانه بود. نظر تخصصی سه روان‌شناس مستقل و یک زبان‌شناس به‌عنوان معیار سنجش و ارزیابی واژه‌ها به‌لحاظ اهداف تعیین‌شده، به کار گرفته شد تا ویژگی‌های کیفی و توصیفی واژه‌ها استخراج شود. با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS برای ویندوز، یافته‌ها گویای آن بود که عناصر روان‌شناختی مورد هدف در این مطالعه، از یکدیگر متفاوت است. همچنین، برآوردهای مربوط به شناخت و درمان به ترتیب در تقابل با برآوردهای هیجان و آسیب‌شناسی روانی قرار دارد. در پایان یافته‌ها با توجه به نظریه‌های روان‌شناختی و زبان‌شناختی در زمینه‌های هیجان مورد بحث قرار خواهد گرفته‌اند.

مقدمه

زبان را می‌توان چنان‌آییند اندیشه، نگرش و درون‌مایه ذهنی مردمان استفاده‌کننده از آن دانست. تاکنون هیچ گزارشی مبنی بر کاوش در مجموعه گسترده واژگان روان‌شناختی زبان فارسی منتشر نشده است. هدف این طرح، بررسی واژه‌های روان‌شناختی، نسبت خوشایند/ناخوشایند واژگان، به‌کارگیری عناصر جسمی/غیرجسمی در ترکیب این‌گونه واژگان و رایج/غیررایج بودن آنهاست. اساساً پژوهش در زبان و ارتباط آن با حیطه‌های روان‌شناختی از جمله علاقه‌مندی‌های برخی از روان‌پزشکان و روان‌شناسان بالینی در سراسر دنیا است. چاپ مقالات فراوان در این زمینه در نشریات معتبر علمی داخلی و خارجی مؤید این نظر است.

به‌نظر می‌رسد بین جسمی‌کردن^۱ علائم اختلال‌های هیجانی و میزان بیان^۲، یک نسبت معکوس وجود دارد؛ یعنی هرچه فرهنگ جلوی بیان احساس و هیجان را بگیرد - مثلاً آن را نوعی "پررویی" و "بی‌حیایی" قلمداد کند - احتمالاً بروز علائم به‌صورت جسمی خواهد بود. برعکس، در فرهنگی که بیان احساس و افکار را امکان می‌دهد، احساس و هیجان آدم‌ها به‌صورت کلامی و با خزانه لغات مناسب و متمایز ابراز خواهد شد و کمتر جایی برای جسمانی‌سازی علائم خواهد ماند. به‌نظر می‌رسد در کشورهای مشرق‌زمین، جسمی‌کردن بیشتر است؛ مردمان مغرب‌زمین کمتر علائم خود را به‌صورت جسمی بروز می‌دهند. (کلین‌من، آ.^۳ و کلین‌من، جی، ۱۹۸۵).

در طبقه‌بندی اختلال‌های روانی، اختلال‌هایی وجود دارد که دارای علائم بدنی است؛ مانند اختلال‌های روان‌تنی، اختلال اضطراب و اختلال جسمانی‌شکل^۴.

تاکنون در کشور ما، تلاش‌های پراکنده‌ای برای کاوش در خصوص ارتباط فرهنگ و موضوعات روان‌شناختی انجام شده است. این کاوش‌ها عمدتاً مبتنی بر تحلیل گفتمان^۵ و روش کیفی بوده است. در برخی از این مطالعات به فرهنگ عموم (عامه) مراجعه شده است تا با نگاه به کاربرد آیین‌ها و خرافه‌ها به کشف رفتار فرهنگی با موضوع‌هایی نظیر بیماری روانی و درمان آن پرداخته شود. توجه به موجودات خیالی و غیرواقعی مانند آل و ام‌الصبيان یکی از پژوهش‌هایی است که در این زمینه صورت گرفته است (داویدیان و ساعدی، ۱۳۴۴). همچنین کاوش در اساطیر به منزله عناصر فرهنگی و ارتباط آن با روان‌شناسی مرضی از جمله کارهایی بوده که انجام شده است. (داویدیان، ۱۳۴۴).

فرهنگ، مجموعه‌ای سامان‌مند از عناصر کلامی یک قوم، ملت یا جامعه در دوره زمانی معین است. عناصری که برای سخن‌گفتن، نوشتن یا هر دو به کار می‌رود، در میان افراد ارتباط ایجاد می‌کند و انتقال تجربه‌ها، احساس‌ها و دریافت‌ها را ممکن می‌سازد.

یکی از منابع غنی که عناصر فرهنگی را طی قرون متمادی در خود محفوظ می‌دارد، فرهنگ‌های لغات یا لغت‌نامه‌هاست. مطالعه در فرهنگ‌های لغات می‌تواند زمینه و درون‌مایه‌های مهمی را در اختیار محققان قرار دهد. سابقه فرهنگ‌نویسی در زبان‌های ایران به دوره ساسانی می‌رسد و در همان زمان‌ها دو فرهنگ به نام‌های "اوئیم" و "مناخنای" یا فرهنگ پهلوی در دست است. به‌نظر می‌رسد سابقه فرهنگ‌نویسی فارسی به قرن پنجم هجری برمی‌گردد.

روش

اهداف:

الف- تعیین واژه‌های روان‌شناختی (هیجان، شناخت، آسیب‌شناسی، درمان و شخصیت در لغت‌نامه‌های معتبر زبان فارسی (معین، عمید و فرهنگ فارسی امروز).

^۱- somatization

^۲- expressiveness

^۳- Kleinman

^۴- somatoform

^۵- discourse analysis

ب- تعیین گرایش‌های مثبت (خوشایند) و منفی (ناخوشایند) در لغات و واژه‌های استخراج‌شده از لغت‌نامه‌های موردنظر. اساساً این هدف با توجه به تقسیم‌بندی هیجان‌ها به دو قطب مثبت/ منفی یا خوشایند/ ناخوشایند تعیین شد.

ج- تعیین جسمی (تنی) یا غیرجسمی (غیرتنی) بودن واژه‌ها و لغات فارسی از اهداف دیگر این تحقیق بود. درواقع واژه‌ها و لغات جسمی آن دسته از واژه‌ها و لغات هستند که نام عضوی از اندام بدن را در خود داشته باشند.

د- تعیین نسبت رایج/غیررایج بودن واژه‌های موردنظر.

مجموعه مورد مطالعه

مجموعه مورد مطالعه این تحقیق، کلیه ورودی‌های درج شده در لغت‌نامه‌های معین، عمید و فرهنگ فارسی امروز بود. در این تحقیق، لغت‌های سه لغت‌نامه (فرهنگ) فارسی مربوط به دو مقطع زمانی گذشته و یک مقطع زمانی حال، مورد بررسی قرار گرفت.

۱- فرهنگ معین (معین، ۱۳۸۱): فرهنگ دوجلدی معین، که پس از اقتباس از فرهنگ شش‌جلدی، در سال ۱۳۸۱ شمسی انتشار یافت، یکی از منابعی بود که در این تحقیق از آن سود بردیم. این فرهنگ با توجه به آثار علمی و ادبی مکتوب قدیم و جدید تنظیم شده است. تفاوت فرهنگ دوجلدی با فرهنگ شش‌جلدی در حذف ترکیب‌های لغات است. فرهنگ شش‌جلدی حاصل کار سترگ و نظام‌مند مرحوم دکتر محمد معین است که در دهه ۵۰ (شمسی) در اختیار فرهنگ‌دوستان این سرزمین قرار گرفت. فرهنگ دوجلدی معین قریب ۴۳۰۰۰ واژه را در بر می‌گیرد.

۲- فرهنگ فارسی عمید (عمید، ۱۳۶۳، ۱۳۸۱): لغت‌نامه یک‌جلدی عمید، چاپ بیست‌وسوم (۱۳۸۱)، نیز یکی از منابع این تحقیق بود. این فرهنگ شامل واژه‌های فارسی و لغات عربی و اروپایی مصطلح در زبان فارسی و اصطلاحات علمی و ادبی است. این فرهنگ یک‌جلدی از فرهنگ ده‌جلدی عمید اقتباس شده است و با فرهنگ نو و فرهنگ جیبی عمید متفاوت است. درواقع در فرهنگ یک‌جلدی ترکیب‌های لغات که در فرهنگ ده‌جلدی آمده، حذف شده است. این فرهنگ در شکل ابتدایی خود با نام "فرهنگ نو" در سال ۱۳۰۸ شمسی به چاپ رسید و پس از قریب ۵۰ سال کار مداوم، نویسنده آن را به صورت فرهنگ عمید درآورده که در سال ۱۳۵۸ انتشار یافته است. فرهنگ عمید یک‌جلدی شامل قریب ۳۹۰۰۰ واژه است.

۳- فرهنگ فارسی امروز (صدری و همکاران، ۱۳۸۱): این فرهنگ دربرگیرنده لغات، واژه‌ها و اصطلاحات فرهنگ عمومی در زبان فارسی است. این فرهنگ به جای پرداختن به متون قدیم، با رویکرد جمع‌آوری و عرضه لغات و اصطلاحات در زبان مردم معاصر، کار فرهنگ‌نویسی را انجام داده است. این فرهنگ شامل قریب ۵۰/۰۰۰ واژه می‌شود.

جمع‌آوری اطلاعات

در این تحقیق، نظر تخصصی سه روان‌شناس به‌عنوان معیار سنجش و ارزیابی واژه‌ها و لغات به‌لحاظ اهداف تعیین شده تحقیق، به کار گرفته شد. این سه روان‌شناس به‌طور جداگانه واژه‌ها و لغات آمده در لغت‌نامه‌ها را

بررسی و نظر کیفی^۱ و توصیفی^۲ خود را با توجه به اهداف طرح هیجانی (احساسی) خوشایند/ ناخوشایند، جسمی/ غیرجسمی و رایج/ غیررایج جداگانه ثبت کردند. زمینه قضاوت داوران معنی معادل هر واژه بود. در انتها، اجماع از طریق بحث و در صورت عدم توافق، حداقل دو رأی از سه رأی ملاک تعیین ارزیابی بود. مقوله خوشایند/ ناخوشایند به طبقات «خوشایند»، «ناخوشایند»، «خوشایند - ناخوشایند» و «خنثی» تقسیم شد. طبقه «خوشایند - ناخوشایند» به آن دسته از واژه گفته می‌شد که در معنای معادل، واجد هر دو مضمون خوشایند و ناخوشایند بود. مقوله‌های جسمی/ غیرجسمی و رایج/ غیررایج به صورت دوگانه طبقه‌بندی شد. در انتها یک زبان‌شناس، واژه‌ها و لغات استخراجی و نظر نهایی داوران (روان‌شناسان) را واری و چنانچه به لحاظ زبان‌شناختی اشکال یا نکته‌ای وجود داشت، به تیم سه نفره ارزیاب بازخورد می‌داد. در پایان، اصلاح ارزیابی براساس نظر زبان‌شناس صورت گرفت. تیم روان‌شناسان شامل یک نفر دکتر روان‌شناسی بالینی، یک نفر دکتر روان‌شناس عمومی و یک نفر کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی بود. زبان‌شناس طرح، دارای درجه دکتری زبان‌شناسی بود.

در برداشت نهایی، از کلمه‌های تخصصی و لاتین که در فارسی آمده است، صرف‌نظر شد، مگر مواردی که بسامد بالا و کاربرد عام داشته باشند. همچنین در ثبت نهایی معانی مقابل هر ورودی، به معانی مرتبط با مفاهیم روان‌شناختی مورد نظر بسنده شد.

نمونه‌هایی از واژه‌های استخراجی و مقوله‌بندی‌های آن به این شرح است:

غژم: γožm [= غزم] (۱). خشم، قهر، غضب. [هیجان، ناخوشایند، غیرجسمی، غیر رایج] (انتخاب از فرهنگ معین)

کافتن: kāf-tan [قس. کاویدن] (مص.م.) (کافت، کافد، خواهد کافت، بکاف، کافنده، کافته) شکافتن. کندن. جستجو کردن، کاویدن. بحث کردن. تفتیش کردن. [شناخت، خنثی، غیرجسمی، غیررایج] (انتخاب از فرهنگ معین)

برآشفتن / barāsoftan ، - ها : مصدر. لازم. [ادبی] // برآشفتی؛ برمی‌آشوبی؛ - // خشمگین شدن (وزیر از شنیدن این سخن سخت برآشفت) [هیجان، ناخوشایند، غیرجسمی، رایج] (انتخاب از فرهنگ معاصر)
 پرمغز / pormağz / : صفت. ۱. خردمند ۲. دارای معنی و ارزش؛ مقابل: پوچ. [شناخت، خوشایند، جسمی، رایج] (انتخاب از فرهنگ معاصر)

غرنگ: γarang [= غرن] (۱). صدای خرخری که به سبب گریه یا فشردن گلو در حلق پدید آید. [آسیب‌شناسی، ناخوشایند، غیرجسمی، غیررایج] (انتخاب از فرهنگ معین)

فرسوده: far-sūda(-e) پایمال گردیده. آزار رسیده، آزرده. [آسیب‌شناسی، خوشایند، غیرجسمی، رایج] (انتخاب از فرهنگ معین)

کله‌خرابی: kalla(-e)-xarāb-Ī [ف. ع.] (حاصص.) تهی مغزی، بی‌خردی. عصبانیت، تندمزاجی. [آسیب‌شناسی، ناخوشایند، جسمی، رایج] (انتخاب از فرهنگ معاصر)

¹ . qualitative
² . descriptive

خیره‌سر / xiresar ، - ها/ : صفت. سرکش؛ نافرمان. به همین قیاس: خیره‌سری. [آسیب‌شناسی، ناخوشایند، جسمی، رایج] (انتخاب از فرهنگ معاصر)
 درون‌بینی / darunbini ، - ها/ : اسم. بررسی اندیشه‌ها و احساس‌های خویش: درون‌نگری. [درمان، خنثی، غیرجسمی، رایج]
 دلارام / delārām / : صفت. [ادبی] ۱. مایه آرامش عاطفی ۲. بسیار گرمی و خوشایند. [درمان، خوشایند، جسمی، رایج]

تحلیل داده‌ها

برای عملیات آماری توصیفی و استنباطی، همگی واژه‌ها و ارزیابی‌های کمی و کیفی هر یک به بسته آماری SPSS وارد شد و پس از پالایش خطاهای مربوط به ورود داده‌ها، کلیه فراوانی‌ها، درصدها و مجذور کای، با همین برنامه آماری محاسبه شد.

نتایج

جدول شماره ۱ فراوانی واژه‌های روان‌شناختی را به تفکیک در سه فرهنگ معین، عمید و فارسی امروز و نسبت (۱۰۰ ×) آنها به کل واژه‌ها در هر فرهنگ را جداگانه و در مجموع نشان می‌دهد. مجذور کای مربوط به نسبت‌های واژه‌های هیجانی در فرهنگ‌های سه‌گانه نشان‌دهنده تفاوت معنادار است ($p < 0.01$) و $68/45$ ($\chi^2 =$ آن‌گونه که از محتوای جدول ۱ برمی‌آید، نسبت (۱۰۰ ×) واژه‌های هیجانی به ترتیب در فرهنگ‌های معین، عمید و معاصر کاسته می‌شود. مجذور کای مربوط به نسبت‌های واژگان شناخت در فرهنگ‌های سه‌گانه نشان‌دهنده تفاوت معنادار نیست؛ هرچند این نسبت در فرهنگ معاصر کمتر از دو فرهنگ دیگر است. مجذور کای مربوط به نسبت‌های واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی در فرهنگ‌های سه‌گانه نشان‌دهنده تفاوت معنادار است ($p < 0.01$) و $259/07$ ($\chi^2 =$ همچنین، مجذور کای مربوط به نسبت‌های واژه‌های مرتبط با درمان در فرهنگ‌های سه‌گانه نشان‌دهنده تفاوت معنادار است ($p < 0.01$) و $107/66$ = آن‌گونه که از محتوای جدول ۱ برمی‌آید، نسبت (۱۰۰ ×) واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی و درمان به ترتیب در فرهنگ‌های معین، عمید و معاصر (فارسی امروز) کاهش می‌یابد. همچنین، مجذور کای مربوط به نسبت‌های واژگان شخصیت در فرهنگ‌های سه‌گانه نشان‌دهنده تفاوت معنادار است ($p < 0.01$) و $118/36$ = آن‌گونه که از محتوای جدول ۱ برمی‌آید، نسبت (۱۰۰ ×) واژه‌های شخصیت در مجموع فرهنگ‌های معین و عمید از فرهنگ فارسی امروز بیشتر است.

جدول ۱: فراوانی (نسبت {۱۰۰×} به کل واژه‌ها در فرهنگ‌های سه‌گانه) واژه‌های روان‌شناختی

فرهنگ‌ها	فراوانی کل	هیجان	شناخت	آسیب	درمان	شخصیت
معین	۴۳۰۰۰	۳۱۷(۰/۷۴)	۴۰۱(۰/۹۳)	۱۵۷۳ (۳/۶۶)	۵۵۰ (۱/۲۷)	۷۱۹ (۰/۹۳)
عمید	۳۹۰۰۰	۱۷۵(۰/۴۵)	۳۵۸(۰/۹۲)	۹۹۰(۲/۵۳)	۴۰۸ (۱/۰۵)	۴۷۳ (۱/۲۱)
معاصر	۵۰۰۰۰	۱۶۱(۰/۳۲)	۳۵۱(۰/۷۰)	۸۴۹(۱/۷۰)	۲۵۵ (۰/۵۱)	۳۷۸ (۰/۷۶)
مجموع	۱۳۲۰۰۰	۶۵۳(۰/۵۱)	۱۱۱۰(۰/۸۴)	۳۴۱۲ (۲/۵۸)	۱۲۱۳ (۰/۹۲)	۱۵۷۰(۱/۱۹)

جدول ۲: فراوانی (نسبت { ۱۰۰ × } آن به کل واژه‌ها) واژه‌های روان‌شناختی رایج در فرهنگ‌های سه‌گانه

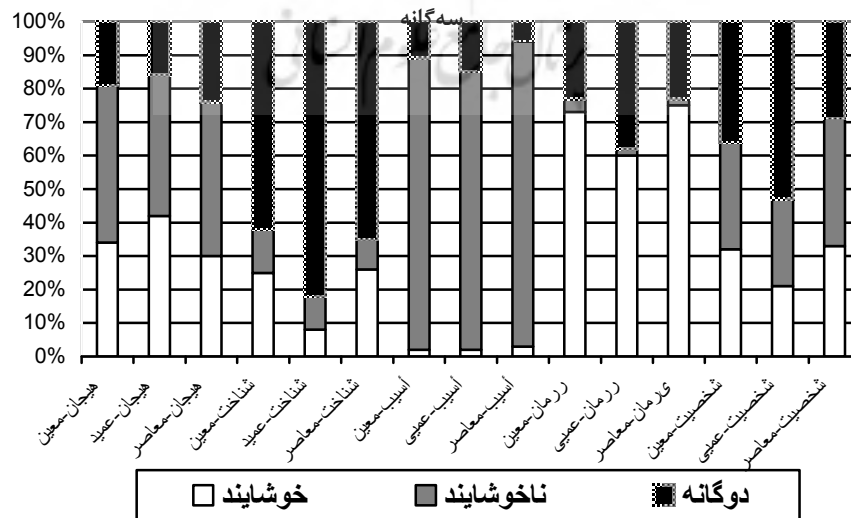
فرهنگ‌ها	فراوانی کل	هیجان	شناخت	آسیب	درمان	شخصیت
معین	۴۳۰۰۰	۱۹۹ (۰/۴۶)	۲۷۲ (۰/۶۳)	۸۷۷ (۲/۰۴)	۲۴۰ (۰/۵۶)	۴۵۷ (۱/۰۶)
عمید	۳۹۰۰۰	۱۰۸ (۰/۲۸)	۲۶۰ (۰/۶۶)	۵۴۸ (۱/۴۱)	۳۳۷ (۰/۸۶)	۲۸۹ (۰/۷۹)
معاصر	۵۰۰۰۰	۱۵۱ (۰/۳۲)	۳۲۵ (۰/۶۵)	۷۹۹ (۱/۶۰)	۲۳۳ (۰/۴۷)	۳۶۴ (۰/۶۹)
مجموع	۱۳۲۰۰۰	۴۵۸ (۰/۳۶)	۸۵۷ (۰/۶۵)	۲۲۲۴ (۱/۶۹)	۸۱۰ (۰/۶۱)	۱۱۱۰ (۰/۸۴)

یافته‌های توصیفی جدول ۲ نشان می‌دهد که نسبت واژه‌های هیجانی رایج در لغتنامه معین بیشتر از فرهنگ معاصر و عمید است ($p < 0.01$, $\chi^2 = 68/45$). همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که نسبت واژه‌های شناختی رایج در فرهنگ‌های سه‌گانه بسیار شبیه به یکدیگر است. نسبت واژه‌های رایج مرتبط با آسیب‌شناسی در لغتنامه معین بیشتر از دو لغتنامه دیگر است ($p < 0.01$, $\chi^2 = 79/73$)؛ اما گرایش کاهنده‌ای در واژه‌های رایج مرتبط با درمان دیده نمی‌شود. نسبت واژه‌های رایج عمید بیشتر از دو لغتنامه دیگر است ($p < 0.01$, $\chi^2 = 25/03$). یافته‌های توصیفی شکل ۴ نشان می‌دهد که نسبت واژه‌های شخصیتی رایج در لغتنامه معین بیشتر از دو لغتنامه دیگر است ($p < 0.01$, $\chi^2 = 38/29$).

شکل ۱

همچنین به نظر می‌رسد واژه‌های هیجانی ناخوشایند در دو لغتنامه معین و معاصر به‌طور معناداری فزون‌تر از واژه‌های خوشایند است ($P < 0.01$). در مجموع سه لغتنامه نیز این وضعیت قابل رؤیت است. به علاوه به‌نظر می‌رسد فزونی واژه‌های شناختی دوگانه (خوشایند - ناخوشایند) نسبت به دو مقوله دیگر موجب معناداری آشکار نتایج آماری شده است ($P < 0.01$)، هرچند تفاوت‌هایی بین فراوانی واژه‌های خوشایند و ناخوشایند مرتبط با شناخت به‌ویژه در لغتنامه‌های معین و معاصر و در مجموع واژه‌ها، نمایان است.

شکل ۱: درصد واژه‌های خوشایند و ناخوشایند روان‌شناختی در فرهنگ‌های سه‌گانه

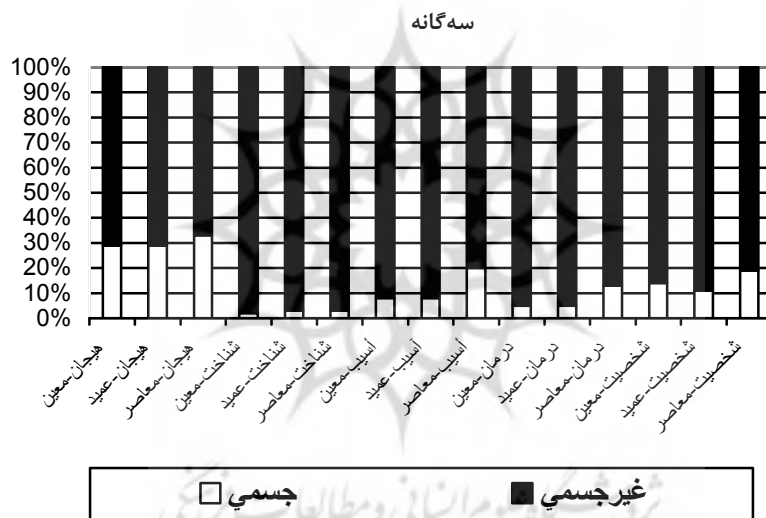


بر اساس یافته‌های بازنمایی شده در شکل ۱ و نیز با توجه به عملیات آماری مجذور کای (2) برای واری معناداری یافته‌ها، به نظر می‌رسد واژه‌های ناخوشایند مرتبط با آسیب‌شناسی روانی در دو لغتنامه معین و معاصر (فارسی امروز) به‌طور معناداری فزون‌تر از واژه‌های خوشایند است؛ در مجموع سه لغتنامه نیز این وضعیت قابل رؤیت است. این یافته با توجه به محتوای ناخوشایند آسیب‌شناسی، قابل تبیین است.

شکل ۲

یافته‌های شکل ۲ به‌طور آشکار و هماهنگ گویای این است که حدود سی درصد واژه‌های هیجانی به کاربرده شده، به‌گونه‌ای به جسم اشاره دارد ($P < /0.1$). همچنین یافته‌ها به‌طور آشکار و هماهنگ گویای این است که عمده (در مجموع ۹۷٪) واژه‌های شناختی در فرهنگ‌های سه‌گانه دارای عناصر غیرجسمی هستند ($P < /0.1$). این یافته در تقابل آشکار با واژه‌های هیجانی است.

شکل ۲: درصد واژه‌های جسمی و غیرجسمی روان‌شناختی در فرهنگ‌های سه‌گانه



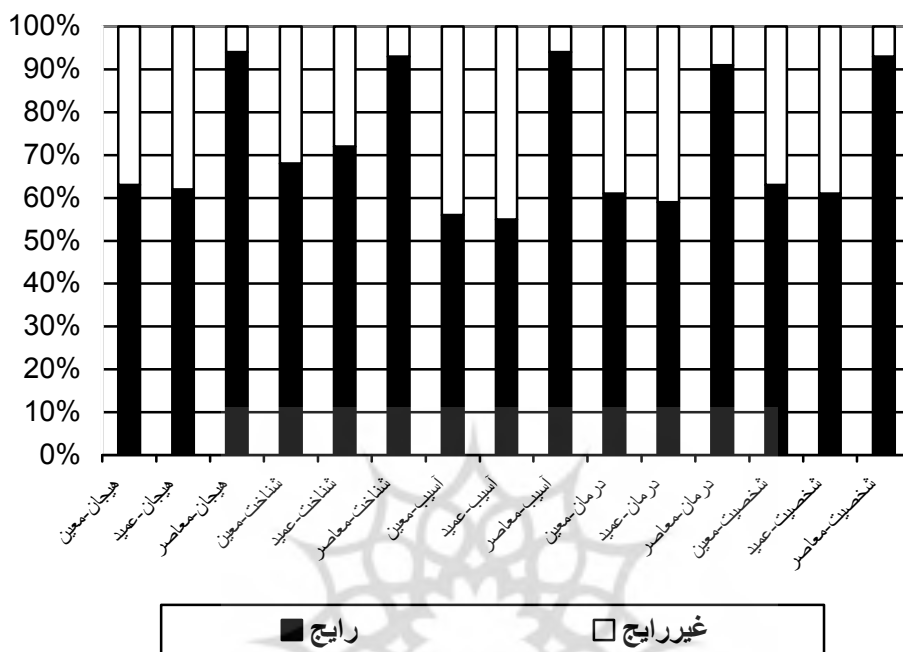
یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که عمده واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی در دو لغتنامه معین و عمید، غیرجسمی است؛ واژه‌های جسمی در فرهنگ فارسی امروز بیشتر از دو فرهنگ دیگر است. همچنین یافته‌های شکل ۲ به‌طور آشکار و هماهنگ گویای این است که عمده واژه‌های مرتبط با درمان، غیرجسمی است. یافته‌های شکل ۲ به‌طور آشکار و هماهنگ گویای این است که ۱۱ تا ۱۹ درصد واژه‌های شخصیت در فرهنگ‌های سه‌گانه دارای عناصر جسمی هستند (تفاوت آشکار با واژه‌های هیجانی).

شکل ۳

یافته‌های شکل ۳ گویای آن است که حدود شصت درصد واژه‌های هیجانی دو لغتنامه معین و عمید و بیش از نود درصد واژه‌های لغتنامه معاصر رایج طبقه‌بندی شده‌اند ($P < /0.1$). از سوی دیگر، یافته‌های شکل ۳

گویای آن است که حدود هفتاد درصد واژه‌های شناختی دو لغتنامه معین و عمید و بیش از نود درصد واژه‌های لغتنامه فارسی امروز، رایج طبقه‌بندی شده‌اند ($P < /0.1$).

شکل ۳: درصد واژه‌های رایج و غیررایج روان‌شناختی در فرهنگ‌های سه‌گانه



یافته‌های شکل ۳ گویای آن است که حدود پنجاه و پنج درصد واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی در دو لغتنامه معین و عمید و بیش از نود درصد واژه‌های لغتنامه فارسی امروز، رایج طبقه‌بندی شده‌اند. یافته‌ها همچنین گویای آن است که حدود شصت درصد واژه‌های مرتبط با درمان در دو لغتنامه معین و عمید و بیش از نود درصد واژه‌های لغتنامه فارسی امروز، رایج طبقه‌بندی شده‌اند. افزون بر این یافته‌های شکل ۳ گویای آن است که حدود شصت درصد واژه‌های مرتبط با شخصیت در دو لغتنامه معین و عمید، و بیش از نود درصد واژه‌های لغتنامه فارسی امروز، رایج طبقه‌بندی شده‌اند (این یافته بسیار شبیه یافته‌های هیجان است).

آمارهای مبتنی بر واژه‌های رایج

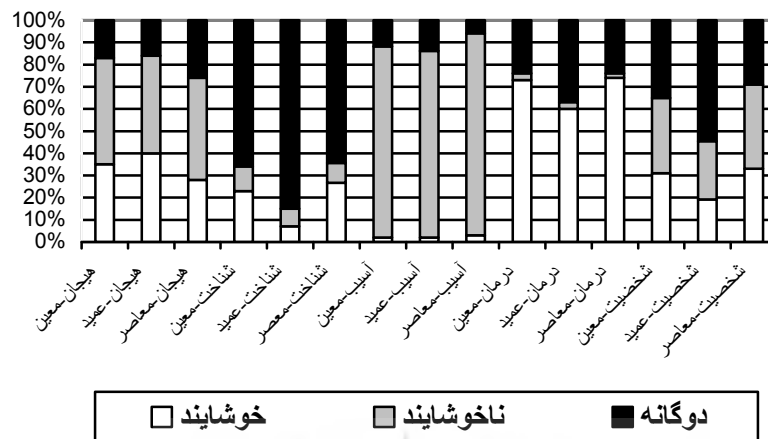
از آنجایی که یکی از سؤال‌های تحقیق درباره رایج/ غیررایج بودن واژه‌های هدف در این تحقیق است و نیز برای بررسی بیشتر درباره چگونگی توزیع فراوانی متغیرها در زیرمجموعه واژه‌های رایج، این طبقه از واژه‌ها جداسازی شد و عملیات آماری روی آنها تکرار گردید.

شکل ۴

یافته‌های شکل ۴ نشان می‌دهد که در هر لغتنامه و در مجموع، فراوانی واژه‌های هیجانی رایج خوشایند کمتر از واژه‌های هیجانی ناخوشایند است. عملیات آماری مجذور کای این توصیف را تأیید می‌کند ($P / 0.1$)

<. در مقابل، یافته‌های شکل ۴ نشان می‌دهد که ظاهراً تمایز رایج/غیررایج تغییر اساسی در یافته‌های حاصل، نداده است.

شکل ۴: درصد واژه‌های (روان‌شناختی) خوشایند و ناخوشایند رایج در فرهنگ‌های سه‌گانه

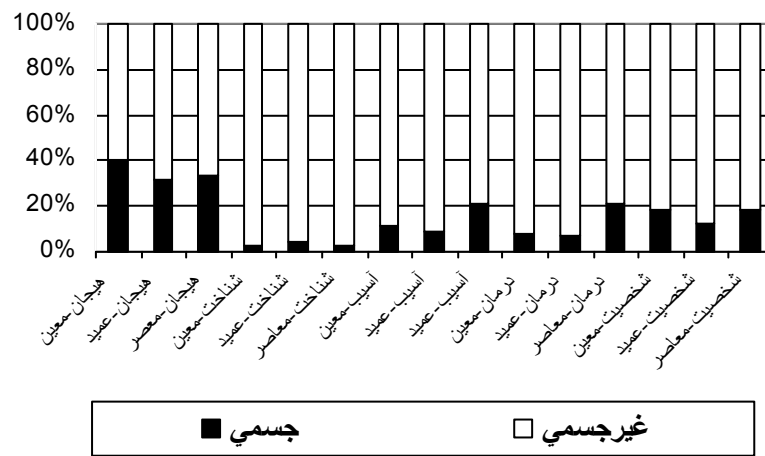


یافته‌های شکل ۴ که بسیار شبیه یافته‌های بازنمایی شده در شکل ۱ است، نشان می‌دهد که در هر لغتنامه و در مجموع، فراوانی واژه‌های رایج خوشایند مرتبط با آسیب‌شناسی کمتر از واژه‌های ناخوشایند است. عملیات آماری مجذور کای این توصیف را تأیید می‌کند ($P < 0.01$). همچنین شکل ۴ نشان می‌دهد که در هر لغتنامه و در مجموع، فراوانی واژه‌های رایج خوشایند مرتبط با درمان به‌طور معناداری از واژه‌های ناخوشایند بیشتر است. عملیات آماری مجذور کای این توصیف را تأیید می‌کند ($P < 0/01$). همچنین یافته‌های مربوط به واژه‌های مرتبط با شخصیت نشان می‌دهد که ظاهراً سرند رایج/غیررایج تغییر اساسی در یافته‌ها نداده است.

شکل ۵

یافته‌های شکل ۵ نشان می‌دهد که در واژه‌های رایج، بین سی تا چهل درصد واژه‌های هیجانی، جسمی هستند ($P < /01$). در مقابل، حدود ۹۷ درصد واژه‌های مرتبط با شناخت، غیرجسمی هستند ($P < /01$). یافته‌های بازنمایی شده در شکل ۵ نشان می‌دهد که در مورد واژه‌های رایج، بین ۱۰ تا ۲۰ درصد واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی، جسمی هستند. یافته‌های مربوط به واژه‌های درمان بسیار شبیه یافته‌های آسیب‌شناسی روانی در این زمینه است. با توجه به عملیات آماری مجذور کای (χ^2) برای واری معناداری یافته‌ها، به نظر می‌رسد واژه‌های خوشایند مرتبط با آسیب‌شناسی و نیز درمان در سه لغتنامه معین، عمید و معاصر (فارسی امروز) به‌طور معناداری فزون‌تر از واژه‌های ناخوشایند و واژه‌های دوگانه است ($P < 0/01$). این یافته با توجه به محتوای ناخوشایند آسیب‌شناسی و محتوای خوشایند درمان، قابل تبیین است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که در مورد شخصیت، واژه‌های رایج، بین ۱۲ تا ۱۹ درصد جسمی هستند.

شکل 5: درصد واژه‌های (روان‌شناختی) جسمی و غیرجسمی رایج در فرهنگ‌های سه‌گانه



بحث

این پژوهش با هدف بررسی واژه‌های روان‌شناختی (هیجان، شناخت، آسیب‌شناسی، درمان و شخصیت) در سه بُعد خوشایندی/ناخوشایندی، جسمی/غیرجسمی و رایج/غیررایج صورت گرفت. نتیجه کاوش محققان پیشین آشکارکننده هیچ گزارشی مبتنی بر مطالعه در مجموعه گسترده واژگان فارسی برای دستیابی به کم و کیف واژگان روان‌شناختی نبود. توجیه اولیه ما مبتنی بر این فرض بود که احتمالاً واژگان در گنجینه‌های لغت فارسی می‌توانند آشکارکننده نگرش، تفکر و درون‌مایه ذهنی کاربران آن زبان باشد. شایان ذکر است که در چارچوب زبان‌شناسی شناختی نیز بین حوزه مفاهیم انتزاعی و مفاهیم ملموس به‌عنوان یک استراتژی شناختی ارتباط وجود دارد و درک انتزاعات با همانندسازی آنان با مفاهیم ملموس امکان‌پذیر است (لی، ۲۰۰۱).

اولین یافته که لازم است به آن اشاره شود این است که فراوانی واژه‌های مرتبط با هیجان به‌طور محسوسی فزون‌تر از واژه‌های مرتبط با شناخت در لغت‌نامه‌های مورد مطالعه است (هم در کل واژه‌ها و هم در میان واژه‌های رایج).

نتایج نشان می‌دهد که واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی (نسبت آن به کل واژگان موجود در هر لغتنامه) به ترتیب در فرهنگ‌های معین، عمید و معاصر (فارسی امروز) کاهش می‌یابد. با وجود این، پس از کاربرد سرند رایج/غیررایج این روند حفظ نمی‌شود. همچنین نسبت واژه‌های مرتبط با درمان به ترتیب در فرهنگ‌های معین، عمید و معاصر (فارسی امروز) کاهش می‌یابد. هرچند با سرند رایج/غیررایج مشخص شد که نسبت واژه‌های رایج مرتبط با درمان در لغتنامه عمید بیشتر از دو لغتنامه دیگر است؛ در مقایسه مجموع دو لغتنامه معین و عمید - که قدیمی‌ترند - با فرهنگ معاصر (فارسی امروز) - که جدیدتر است - تفاوت بارزی به‌نظر نمی‌رسد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که فراوانی واژه‌های روان‌شناختی رایج در فرهنگ معاصر بیشتر از دو لغتنامه دیگر است. این یافته با توجه به: (۱) روزآمدتر بودن فرهنگ معاصر و (۲) تمرکز فرهنگ معاصر بر متون معاصر قابل تبیین است.

نتایج نشان می‌دهد که واژه‌های هیجانی (نسبت آن به کل واژگان موجود در هر لغتنامه) به ترتیب در فرهنگ‌های معین، عمید و معاصر کاهش می‌یابد. این گرایش در مورد واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی نیز دیده می‌شود. با توجه به ترتیب زمانی تدوین فرهنگ‌های سه‌گانه مورد مطالعه در این پژوهش، این سؤال مطرح می‌شود که آیا واقعاً در خلال چند دهه (شاید هفت دهه) گذشته، کاربرد واژه‌های فارسی مرتبط با بیان هیجانی (و نیز آسیب‌شناسی) کاهش یافته است یا اینکه این تفاوت‌ها ناشی از عوامل دیگری است.

تردید در این نتیجه‌گیری هنگامی جدی‌تر می‌شود که به این نکته توجه می‌کنیم که مأخذ مورد استفاده در دو فرهنگ اول (معین و عمید) عمدتاً متون نوشتاری قدیمی است. به همین دلیل در مرحله داده‌پردازی، واژه‌ها با فیلتر رایج/غیررایج سرند شد و عملیات آماری دوباره بر روی واژگان صورت گرفت. نتایج حاصل از این جداسازی نشان داد که نسبت واژه‌های هیجانی رایج در مجموع فرهنگ معین، عمید (فرهنگ‌های قدیمی‌تر) باز هم بیشتر از فرهنگ معاصر است. این دو داده می‌تواند پشتیبان این فرض قرار گیرد که ظاهراً در دهه‌های گذشته از میزان به‌کارگیری واژه‌های هیجانی در زبان فارسی کاسته شده است. این یافته در ذهن محققان این پرسش را بر می‌انگیزد که آیا واقعاً گرایش زبانی برای استفاده از واژه‌های هیجانی در فارسی طی دهه‌های اخیر به مرور کاهش یافته است؟ برای پاسخ به این پرسش، باید پژوهش‌های مشابهی در زمینه کاربرد روزمره فارسی‌زبانان صورت گیرد. همچنین کاوش در واژه‌های دیگر روان‌شناختی مانند «شناخت» و مقایسه آن با یافته کنونی می‌تواند راه‌گشا باشد. همین تعبیر در مورد واژه‌های آسیب‌شناسی و بیان علائم ناراحتی‌های روانی نیز می‌تواند صادق باشد.

در مقابل، پس از کاربرد سرند رایج/غیررایج، نتایج نشان می‌دهد که نسبت واژه‌های شناختی رایج در فرهنگ‌های سه‌گانه، بسیار شبیه به یکدیگر است. این یافته احتمالاً بر این نکته تأکید دارد که در خلال دوره تاریخی شکل‌گیری لغت‌نامه‌های مورد نظر، تغییری در کاربرد نسبت واژه‌های مرتبط با شناخت داده نشده است.

نسبت‌های واژگان شناخت در فرهنگ‌های سه‌گانه نشان‌دهنده تفاوت معنادار نیست؛ هرچند این نسبت در فرهنگ معاصر (فارسی امروز) کمتر از دو فرهنگ دیگر است.

از سوی دیگر، نتایج نشان می‌دهد که از نسبت (۱۰۰ ×) واژه‌های شخصیت به ترتیب در فرهنگ‌های معین، عمید و معاصر کاسته شده است. کاربرد سرند رایج/غیررایج در تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که بین واژه‌های شخصیتی در لغتنامه معین با دو لغتنامه دیگر تفاوت آشکار وجود دارد؛ بین فرهنگ عمید و فرهنگ معاصر (فارسی امروز) تفاوت بارزی دیده نمی‌شود. این یافته در کل واژه‌های رایج و غیررایج بسیار شبیه یافته‌های مربوط به واژه‌های هیجانی است؛ اما با سرند واژه‌ها و تمرکز بر واژه‌های رایج، این شباهت کمتر می‌شود.

نسبت خوشایندی/ناخوشایندی واژه‌های لغت‌نامه‌های مورد مطالعه از اهداف دیگر این پژوهش بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که فراوانی واژه‌های هیجانی ناخوشایند (منفی) در دو لغتنامه معین و معاصر به‌طور معناداری

فزون‌تر از واژه‌های خوشایند است؛ در ضمن، این وضعیت در مجموع سه لغتنامه قابل رؤیت است. همچنین سرند «رایج/غیررایج» واژه‌ها نشان داد که در هر لغتنامه و در مجموع، فراوانی واژه‌های هیجانی خوشایند کمتر از واژه‌های هیجانی ناخوشایند است. این گرایش به کاربرد واژه‌های ناخوشایند در حیطه هیجان و احساس می‌تواند به طور تلویحی به این فرض اشاره داشته باشد که احتمالاً تعامل‌ها در جامعه ما همراه با احساس‌های ناخوشایند (نظیر غم، ترس، خشم، نفرت و ...) است.

این تصویر در مورد واژه‌های مرتبط با شناخت به گونه دیگری است. به نظر می‌رسد فزونی واژه‌های دوگانه (خوشایند - ناخوشایند) نسبت به دو مقوله دیگر موجب معناداری آشکار نتایج آماری شده است؛ به هر حال طبیعی است که عمده واژه‌های شناختی جنبه خنثی یا دوگانه دارند. سرند رایج/غیررایج نشان‌دهنده تغییر اساسی در یافته‌های حاصل، نشان نمی‌دهد. این موضوع پشتیبان فرض مطرح شده در سطور بالاست.

همچنین یافته‌ها گویای این نکته است که واژه‌های ناخوشایند مرتبط با آسیب‌شناسی روانی در دو لغتنامه معین و معاصر (فارسی امروز) به‌طور معناداری فزون‌تر از واژه‌های خوشایند است؛ در مجموع سه لغتنامه نیز این وضعیت قابل رؤیت است. سرند رایج/غیررایج واژه‌ها نشان می‌دهد که در هر لغتنامه و در مجموع، فراوانی واژه‌های رایج خوشایند مرتبط با آسیب‌شناسی، کمتر از واژه‌های ناخوشایند است. این یافته با توجه به محتوای ناخوشایند آسیب‌شناسی، قابل تبیین است.

این الگو در مورد واژه‌های مرتبط با درمان وارونه است. هم یافته‌های کلی و هم یافته‌های سرند شده (رایج/غیررایج) نشان می‌دهد که در هر لغتنامه و در مجموع، فراوانی واژه‌های خوشایند مرتبط با درمان به‌طور معناداری از واژه‌های ناخوشایند بیشتر است. این یافته با توجه به خوشایند بودن مفهوم درمان قابل تبیین است.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که هر چند واژه‌های دوگانه (خوشایند - ناخوشایند) مرتبط با شخصیت بیشتر از مقوله‌های دیگر است، به‌نظر نمی‌رسد بین فراوانی واژه‌های خوشایند و ناخوشایند شخصیت در لغتنامه‌های معین، عمید و معاصر (فارسی امروز) و در مجموع واژه‌ها، تفاوتی وجود داشته باشد. ظاهراً سرند رایج/غیررایج تغییر اساسی در یافته‌ها نداده است.

یافته‌های مربوط به نسبت جسمی/غیرجسمی بودن واژه‌های هیجانی آشکارا گویای این است که حدود سی درصد واژه‌های هیجانی به کاربرده شده، به‌گونه‌ای به جسم و اندام بدن اشاره دارد. با سرند رایج/غیررایج، نسبت واژه‌های دارای عناصر جسمی اندکی (حدود ۱۰٪) بیشتر می‌شود.

این یافته در مقایسه با واژه‌های مرتبط با شناخت بیشتر معنا پیدا می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که در مجموع ۹۷ درصد واژه‌های مرتبط با شناخت در فرهنگ‌های سه‌گانه دارای عناصر غیرجسمی هستند. سرند واژه‌های رایج یافته‌های مشابهی را آشکار می‌سازد که پشتیبانی است برای یافته حاضر در این زمینه. مجموع این یافته‌ها با نسبت واژه‌های مرتبط با شناخت دارای عناصر جسمی در این زمینه تفاوت آشکار دارد؛ واژه‌های هیجانی ظاهراً بیشتر از واژه‌های شناختی دارای عناصر جسمی هستند.

این یافته به نفع این نظریه‌پردازی است که ظاهراً بین جسمی کردن علائم و میزان بیان هیجانی (احساسی) یک نسبت معکوس وجود دارد. توضیح آنکه شاید اگر فرهنگ، بازدارنده بیان احساس و هیجان باشد، علائم و

واکنش‌های روانی می‌تواند به صورت جسمی رخ دهد. در واقع به نظر می‌رسد که فرهنگ‌هایی که بازدارنده بیان احساس و افکار نیستند، آدم‌ها را تشویق به بیان احساس و هیجان در چارچوب کلامی و با خزانه لغات مناسب و متمایز می‌کند. همین فرض برخی از محققان را واداشته است که به این موضوع اشاره کنند که شیوع جسمانی کرد. علائم و واکنش‌های روانی در مردمان کشورهای مشرق‌زمین بیشتر از مردمان مغرب‌زمین است (کلین‌من، آ. و کلین‌من، جی، ۱۹۸۵). بنابراین فرض، هرچه از میزان بیان شناختی هیجان‌ها کاسته شود، به میزان بیان جسمانی آن‌ها افزوده می‌شود.

یافته‌های کل و نیز یافته‌های برآمده از سرند داده‌ها به طور آشکار و هماهنگ گویای این است که عمده واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی و درمان در دو لغتنامه معین و عمید، غیرجسمی است؛ هر چند واژه‌های جسمی در فرهنگ معاصر (فارسی امروز) بیشتر از دو فرهنگ دیگر است.

عمده واژه‌های شخصیت در فرهنگ‌های سه‌گانه دارای عناصر جسمی نیستند. این یافته پس از سرند واژه‌های رایج از غیررایج، هم‌چنان پابرجا باقی است. این ترکیب با ترکیب جسمی/غیرجسمی واژه‌های هیجانی، متفاوت است.

نتایج این تحقیق، برای روان‌شناسان، زبان‌شناسان، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان می‌تواند کاربردی باشد. همچنین رسانه‌های گروهی مانند تلویزیون، رادیو و روزنامه‌ها می‌توانند با استفاده از نتایج این تحقیق در سیاست تولید کلامی خود تغییراتی به وجود آورده، بدین‌وسیله دگرگونی احتمالی در نگرش و درون‌مایه‌های ذهنی مخاطبان خود را زمینه‌سازی کنند.

در پایان مراتب سپاس و قدردانی خود را از نگارندگان و همکاران سخت‌کوش لغتنامه‌های مورد استفاده در این پژوهش ابراز می‌داریم.

منابع

- داویدیان، هاراطون (۱۳۴۴)، "اهمیت بررسی اساطیر ایرانی"، *مجله سخن*، ش ۴، صص ۲ تا ۱۹.
- داویدیان، هاراطون و ساعدی، غلامحسین (۱۳۴۴)، "آل و ام‌الصبيان"، *مجله سخن*، ش ۱۶، صص ۱۹ تا ۳۴.
- صدری‌افشار، غلامحسین و نسرین حکمی و نسترن حکمی (۱۳۸۱)، *فرهنگ فارسی امروز*، تهران: فرهنگ معاصر.
- عمید، حسن (۱۳۸۱)، *فرهنگ عمید*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- معین، محمد (۱۳۸۱)، *فرهنگ فارسی*، ج ۲، تهران: آدنا.

- Brown, C (1984), *Language and Living Things*, Rutgers : Rutgers University Press.
- Dougherty, J.w.D (1985), *Directions in Cognitive Anthropology*, Urbana: university of Illinois press.
- Kleinman A. & G Byron (1985), *Culture and Depression*, California: University Press.
- Kleinman, A. & Kleinman, J (1985), *Somatization: The Interconnections in Chinese Society among Culture, Depressive Experiences, and the Meaning of Pain*, In Arthur. university of California: University Press .

- Lee, David (2002), *Cognitive Linguistics*. Oxford University press.
- Rice , J.E(1980), *On Cultural Schemata*, *American Ethnologist* 7: 329-349.
- Rosaldo,M.Z(1980), *Knowledge and Passion*, Cambridge: Cambridge University press.

